



Investigating the components of political security in decent governance

Morteza Alavian¹ Rahmat Abbastabar² aref valipour parkohi³

Abstract

Purpose: One of the main concerns of humanities thinkers throughout history has been to reach a decent governance model. And according to the various threats that governments and people in the society are facing, it is necessary to examine the ideal model of political security in order to achieve competent governance. The field of writing is entered.

Method: In order to analyze the data, the qualitative method, thematic analysis, has been used, and among the different methods of thematic analysis in this article, the theme network method of Atride and Sterling, by which qualitative data is divided, classified, summarized and reconstructed. Used

Findings: Based on the results of the research, the number of 8 components was calculated as the components of political security based on the indicators of good governance.

Conclusion: In order to achieve good governance, the politicians and businessmen of the country must consider political security in all their actions, and to achieve good governance, it is necessary to establish political security from the ruler for the people and from the people for the ruler, which is mentioned in the article It has been paid.

Keyword: Political security, decent governance, individual

1. Associate Prof, Political Science Department, Mazandaran University, Babolsar, Iran

2. Assistant Prof., Political Science Department, Mazandaran University, Babolsar, Iran

3. MSc. Student of Islamic political thought, Mazandaran University, Corresponding

Author, Email :valipour.rf@gmail.com

Journal of maritime science management ,2024,vol. 4,No 4 pp.97-121

Doi:<https://doi.org/10.22034/MMR.2024.316573.1093>

Article Type: Research-based Published by Faculty of Management and Marine Commissary



Received: March, 5 2024;

Accepted: October 23, 2023



بررسی مولفه‌های امنیت سیاسی در حکمرانی شایسته

مرتضی علویان^۱، رحمت عباس تبار^۲، عارف ولی پور پرکوهی^{۳*}

چکیده

هدف: یکی از دغدغه‌های اصلی اندیشمندان علوم انسانی در طول تاریخ رسیدن به الگوی حکمرانی شایسته بوده است. و با توجه به تهدیدات متنوعی که حکومتها و افراد جامعه با آن مواجه هستند، بررسی الگوی مطلوب امنیت سیاسی به منظور دستیابی به حکمرانی شایسته ضروری است. پژوهش حاضر با هدف بررسی زمینه‌های ایجاد امنیت سیاسی برای فرد، مردم و حاکمیت بر مبنای حکمرانی شایسته به رشته تحریر درآمده است.

روش شناسی: به منظور تحلیل داده از روش کیفی، تحلیل مضمون استفاده شده است، و از بین روش‌های مختلف تحلیل مضمون در این مقاله از روش شبکه مضامین آترید و استرلینگ که توسط آن داده‌های کیفی تقسیم بندی، طبقه بندی، تلخیص و بازسازی می‌گردند. استفاده شده است

یافته‌ها: بر اساس نتایج پژوهش، تعداد ۸ مولفه به عنوان مولفه‌های امنیت سیاسی بر اساس شاخص‌های حکمرانی شایسته احصاء گردید. **نتایج:** سیاستمداران و کارکنان کشور به منظور دست‌یابی به حکمرانی شایسته می‌بایست امنیت سیاسی را در تمامی اقدامات خود مدنظر داشته باشند و لازمه رسیدن به حکمرانی شایسته، برقراری امنیت سیاسی از سوی حکمران برای مردم و از سوی مردم برای حکمران می‌باشد که در مقاله به آن پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: امنیت سیاسی، حکمرانی شایسته، فرد، اجتماع، حکومت

۱ دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

۲ استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

۳ دانشجوی ارشد اندیشه سیاسی اسلام، دانشگاه مازندران، نویسنده مسئول ایمیل: valiipour.rf@gmail.com

Doi: <https://doi.org/10.22034/MMR.2024.316573.1093>

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۰۶

مقدمه :

یکی از اهداف اصلی تمامی حکومتها برقراری امنیت مردم ساکن در جغرافیای تحت حاکمیت می‌باشد و یا به نوعی می‌توان گفت که امنیت یکی از دلایل اصلی تغییر و تکامل زندگی بشر از شکل بدوی آن بوده است، چراکه انسان بدوی در ابتدا از ترس حمله ی حیوانات درنده بایکدیگر متحد شده و قبیله را تشکیل دادند و سپس به منظور در امان ماندن از قبایل دیگر با هم متحد شده و روستا و شهر را تشکیل دادندو در سیر تکامل جامعه بشری تا به امروز امنیت در شکل و قالب های مختلف و متفاوتی ظهور و بروز پیدا می‌کند. لذا جستجوی امنیت از مهمترین دغدغه ها و انگیزه‌های انسانی است. این انگیزه با ذات انسان پیوند ناگسستنی دارد.

امنیت از قدیمی ترین آرزوهای بشری و یکی از وسایل و شروط زندگی بهتر، آسایش و رفاه انسانی تلقی می‌گردد و از دیدگاه مازلو وسیله ی حرکت به سوی خودشکوفایی انسانها تلقی میگردد. به طوری که وی در تقسیم بندی نیازهای انسان ، بعد از نیازهای جسمی از جمله هوا، غذا، مسکن و پوشاک؛ نیاز امنیت را بیان می‌کند و نیازهای دیگر انسانی را در اولویت‌های بعدی بیان نموده است. (مازلو، ۱۳۶۷: ۵۱)



شکل شماره ۱: جایگاه امنیت در هرم نیازهای مازلو

از سوی دیگر حفظ بقا و استمرار حیات یک حکومت برای ذینفعان آن اعم از هیئت حاکمه و مردم، ضرورت حیاتی است (هاشمیان فر و برزگر لداری، ۱۳۹۳: ۶۸) لذا امنیت اولین انتظار انسان‌ها نسبت به هر حکومتی است که در عصر حاضر ابعاد گسترده و متفاوتی پیدا کرده است. تاثیرپذیری امنیت از اقتصاد، فرهنگ، سیاست، اجتماع، جغرافیا و تاثیرگذاری آن بر همه شاخص‌های توسعه و حیات انسانی به آن نقش بنیادین داده و همه ی فیلسوفان سیاسی تاریخ را به تأمل در آن واداشته است. اندیشمندانی که دغدغه عدالت داشته اند امنیت را شرط اجرای عدل دانسته‌اند و کسانی که به رفاه می اندیشند، آن را عامل اصلی آسایش می دانند و آنان که بر توسعه سیاسی و اقتصادی توجه دارند، امنیت را دلیل و نتیجه آن تلقی کرده‌اند و همه افرادی که برای برپایی ارزشهای انسانی و معنوی دغدغه داشته اند، آن را مقدمه ی این واجب دانسته اند.

با عنایت به موارد ذکر شده بالا ما در این پژوهش به یکی از وجه های امنیت به نام امنیت سیاسی که دارای ارتباط تنگاتنگی با نوع حکمرانی است می پردازیم. از آنجاکه دستیابی به حکمرانی شایسته دارای ملزومات و مقدماتی است که مهمترین آنها تامین امنیت سیاسی برای فرد، اجتماع و حاکمیت در مقابله تهدیدات است مستلزم شناسایی مولفه ها به منظور تدوین راهبردهای مطلوب و اثربخش در این حوزه خواهد بود. لذا در این تحقیق شناسایی مولفه‌های امنیت سیاسی فرد، جامعه و حکومت، مسئله پژوهش خواهد بود تا با دستیابی به این مهم گام مؤثری در جهت کمک به سیاستمداران و حکمرانان جمهوری اسلامی ایران در راستای نیل به یک حکمرانی شایسته باشد. هدف این تحقیق شناسایی زمینه های ایجاد امنیت سیاسی برای مردم و حاکمیت بر مبنی حکمرانی شایسته است تا از این طریق جایگاه امنیت سیاسی در شکل گیری یک حکمرانی مطلوب مشخص گردد.

پیشینه پژوهش:

جهان بزرگی (۱۳۸۸) در کتابی با عنوان «امنیت در نظام سیاسی اسلام» معتقد به تقسیم امنیت از نظر سطوح به فردی، گروهی و ملی می‌باشد و از نظر قلمرو آن را به داخلی و خارجی تقسیم می نماید وی همچنین موضوع امنیت را به امنیت سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی، منابع طبیعی و زیست محیطی تقسیم بندی نموده و در یکی از بخش‌های به بررسی مولفه‌های امنیت سیاسی می پردازد. وی در بحث امنیت سیاسی معتقد است برای یافتن مولفه‌های امنیت سیاسی ابتدا باید به مفهوم قدرت پرداخت و با توجه به اینکه توجه به امنیت، توجه به عناصر قدرت را می‌طلبد، وی مولفه‌های امنیت سیاسی را همان مولفه‌های قدرت بر می شمارد.

- مرادیان (۱۳۸۹) در کتاب خود با عنوان « مبانی نظری امنیت » به پیدایش مفهومی امنیت، ابعاد امنیت امنیت اجتماعی، وجوه سخت و نرم امنیت و امنیت پرداخته است. وی در بخش امنیت در اسلام معتقد است با استناد به آموزه های قرآنی و سیره نظری و عملی پیامبر(ص) و ائمه معصومین (ع) نظریه امنیتی در اسلام دارای اصول، مبانی و مفاهیم خاص خود

می‌باشد. و معتقد است از مهمترین اصول موثر در تحلیل امنیت در گفتمان اسلامی می‌توان به اصل توحید، ایمان، ولایت و سعادت اشاره داشت که در ایجاد و توسعه امنیت نقش اساسی و موثر دارند.

- هاشمیان فر و برزگرلداری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان « اصول و کارکردهای امنیت سیاسی در اسلام » معتقد هستند که امنیت در بعد سیاسی دارای دو حوزه داخلی و خارجی است که درحوزه داخلی تبیین کننده روابط شهروندان با حاکمان است به طوری که اسلام ضمن تأکید بر حقوق متقابل زمامداران و مردم، معتقد است شهروندان در جامعه دینی برخوردار از کرامت انسانی، آزادی و حق انتخاب هستند و در اداره امور جامعه و سرنوشت اجتماعی خویش نقش آفرین هستند و استمرار نظام دینی با نقش آفرینی فعال مردم در حیات سیاسی جامعه میسر خواهد بود و در حوزه خارجی به این معتقداند که اسلام ضمن تأیید روابط و احترام متقابل ملت ها و وفاداری به پیمان ها، تأکید می‌کند که باید همواره مواظب توطئه ها و خطرات بیگانگان باشید و در صورت بروز تهدید با تبعیت از رهبری جامعه، با بذل جان و مال در مقابل دشمن ایستادگی کرد.

- آل سید غفور و بهروزی لک (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان « امنیت سیاسی افراد و تحقق آن از منظر قرآن » معتقد هستند که خداوند در قرآن از حاکمان مستبد ابراز انزجار کرده و نمونه هایی از فسادهای سیاسی آن ها را بیان نموده است. عصبان، غصب اموال، قتل، کشتار، استبداد، فساد و فحشا اسراف و استکبار از آن جمله اند... سرمنشأ چنین فساد، طبع، حکومت و قدرت است. از منظر قرآن کریم راه کارهای تحقق امنیت سیاسی، ایجاد امنیت از طریق آزادی سیاسی و مشارکت سیاسی است. امنیت سیاسی افراد، هم در فکر وهم در اندیشه و هم در بیان به واسطه ی آیات قرآن قابل اثبات است. اگرچه حدود خاصی نیز برای این حقوق وجود دارند؛ مهمترین این حدود، رعایت حریم دیگران است.

مبانی نظری تحقیق:

حکمرانی خوب^۱

اولین بار افلاطون واژه ی یونانی «Kubernan» را که به معنای اداره کردن است در رابطه با طراحی نظام حکومت به مفهوم حکمرانی به کار برد. این اصطلاح ریشه ی لغت «Gubnare» بوده که به معنی هدایت کردن و قانونگذاری می باشد. (هداوند، ۱۳۸۴: ۵۲) و در لاتین معادل واژه ی «Governance» به معنای «الگوهای فرمانروایی و فرایندهای حکومت کردن» آمده است. اما در فرهنگ آکسفورد مترادف با واژه ی حکومت «Government» به معنی اعمال قدرت، نظام حکومتی، روش تنظیم قوانین و مقررات و برقراری نظم جامعه به کار گرفته شده است (مفتح و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۴)

مفهوم حکمرانی خوب اولین بار در سال ۱۹۸۹ در گزارشی بانک جهانی که درباره توسعه آفریقا منتشر کرد مطرح شد. (لفیویچ، ۲۰۰۶: ۱۶۹) این نهاد بین المللی برای اولین بار حکمرانی خوب را در خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی

1- Good Governance

2. Leftwich

قابل اعتماد و نظام اداری پاسخ گو تعریف کرده است. بانک جهانی بعد از اینکه در اجرای سیاستهای تعدیل یا همان اجماع واشنگتنی در برخی کشورها ناموفق بوده به این نتیجه رسید که علت این عدم موفقیت، عدم وجود شرایط لازم در کشورهای جهان سوم برای اجرای این توصیه ها و آزاد کردن قیمتها می باشد. و این اولین مرحله شکل گیری اندیشه حکمرانی خوب بوده است. در سال ۱۹۹۶ در گزارش توسعه جهانی در فصلی با عنوان "از برنامه تا بازار" به این موضوع اشاره شد. از سال ۱۹۹۷ تا کنون پیوسته بحث حکمرانی خوب در گزارش بانک جهانی مطرح است و یکی از مهم ترین سیاست های بانک جهانی این است که چگونه میتوان با حکمرانی خوب به توسعه دست یافته (ذکریاپور سورکوهی، ۱۴۰۰: ۳۳)

از نظر نهاد های دولتی ایالات متحده آمریکا، حکمرانی خوب عبارت است از: حاکمیت دموکراتیک، شفاف، جمع گرا، مشارکت دهنده شهروندان در تصمیم گیری ها، نمایندگی از مردم، و پاسخ گویی (حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۳: ۱۰)

حکمرانی شایسته :

با تعاریفی که از مفهوم حکمرانی در بخشهای گذشته به آن اشاره شد. حکمرانی شایسته عبارت قراردادی ما برای حکمرانی مطلوب اسلامی است. بنابراین حکمرانی شایسته به معنای شیوه اداره جامعه، چگونگی کاربرد قدرت و روش اعمال حاکمیت از منظر اسلام و تفکر اسلامی است. اسلام که به عنوان برنامه ای جامع و کامل برای زندگی دنیوی و اخروی بشر از سوی خداوند متعال و توسط پیامبرانش در قالب دین برای انسانها نازل شده است. برای موضوعی مهم به نام حکومت نیز مسلماً دارای برنامه ای کامل و جامع است و وجود منابع نوشتاری متعدد در بین شیعه و سنی و نیز وجود الگوی حکومتی پیامبر(ص)، امیرالمومنین (ع) و خلفای اهل سنت در دوران صدر اسلام نشان دهنده عدم بی تفاوتی اسلام نسبت به موضوع حکومت و حاکمیت است. و از همه مهم تر داشتن برنامه عملی برای شیوه حکمرانی است. صرف نظر از اینکه اندیشمندان مختلفی به بسط ویژگی های حکومت در اسلام و شیوه اعمال حکومت و حاکمیت در اندیشه اسلامی پرداخته اند. یکی دیگر از راههای بسط حکمرانی، اسلامی تطبیق مفاهیم نوپدید دراندیشه اسلامی و تایید و یا عدم تایید آن از سوی اسلام است. (ذکریاپور سورکوهی، ۱۴۰۰: ۶۱)

از سوی دیگر با توجه به اینکه اصطلاح حکمرانی خوب همانند دیگر مفاهیم علوم انسانی نسبی و انعطاف پذیر است. هر جامعه و کشوری با توجه به بافت فرهنگی و سیاسی جامعه ی خود می تواند از این مفهوم بهره ببرند. (مفتح و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۶) در تعالیم دین اسلام، حاکمیت مطلق برای خداوند است و هیچ کس جز او حق حاکمیت را ندارد مگر آن که شخصی از جانب خداوند این اجازه را دریافت کرده باشد. دلایل اثبات این موضوع عقلی است و بر اساس بیانش توحیدی می باشد. براساس این بینش خداوند متعال خالق جهان هستی و همه ی موجودات است و نظم تمام کائنات از او نشأت گرفته است. با این توضیح هر نوع دخالت در نظام هستی و امور انسانها باید با اجازه ی خداوند متعال باشد. بنابراین حکومت بر مردم نیز نوعی دخالت در امور مخلوقات خداوند محسوب می شود و این دخالت فقط از طریق خداوند و یا به اذن و اجازه ایشان انجام می شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲۳۷-۲۴۵) از جهت دلایل نقلی نیز خداوند در قرآن می فرماید: آنها هیچ ولی و سرپرستی جز خداوند ندارند و او هیچکس را در حکمش شریک قرار نمی دهد. (سوره کهف، آیه ۲۶) و برای تحقق این حاکمیت، دین را برای بشر معین کرده است و برای

جاری شدن دین، با اعطای اذن و مسؤولیت در قالب نص به برگزیدگان خویش و در عصر غیبت امام معصوم (علیه السلام) با دادن این اجازه به واجدان شرایط، زمینه ی تحقق حاکمیت خود را فراهم نموده است. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ۵۳)

با توجه به آنچه در خصوص حکمرانی شایسته گذشت ما در این پژوهش الگوی حکمرانی شایسته را حکمرانی امام علی (ع) در نظر گرفته و بر مبنی روش پژوهش اقدام به استخراج مولفه‌های حکمرانی شایسته که مرتبط با امنیت سیاسی است از نهج البلاغه نموده ایم که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

امنیت:

واژه امنیت در لغتنامه فارسی به معنای در امان بودن، ایمنی، آرامش و آسودگی آمده است. این واژه در زبان عربی از ریشه عربی ((أمن)) آمده است. ریشه امنیت در لغت از ریشه امن، ایمان و ایمنی گرفته شده است که به مفهوم اطمینان، آرامش در برابر خوف، ترس و نگرانی است. (مرادیان، ۱۳۸۹: ۱۹) در زبان انگلیسی کلماتی وجود دارد که به مفهوم امنیت نزدیک، ولی دارای کاربردهای متفاوت می‌باشد. اصلی ترین کلمه انگلیسی که به معنی امنیت به کار رفته و دارای بار سیاسی و امنیتی است واژه Security است که از ریشه ی آسایش خاطر، امنیت خاطر، اطمینان، مصونیت، وسیله اطمینان خاطر، ایمنی، سلامت، می‌باشد.

واژه ((Safety)) نیز به معنی ایمنی، امنیت، سلامت، محافظت، در امان بودن، وسیله حفاظت و خلاصی به کار می‌رود. در فرهنگ آکسفورد امنیت به معنای در حفظ بودن، فراغت از خطر آمده است. (آکسفورد، ۱۹۹۷)

مکاتب امنیتی:

الف) مکتب واقع گرایی:

توماس هابز در کتاب لویاتان معتقد است: «طبیعت، انسان را از نظر قوای جسمی برابر ساخته است. اگرچه گاه کسی را می توان یافت که از نظر بدنی و فکری از دیگران برتر باشد، اما وقتی همه آنها با هم در نظر گرفته می‌شوند این تفاوت ها قابل مقایسه نخواهد بود و.....» ۱

در واقع هابز با سه پیش فرض، برابری انسانها، آناارشی جهان انسانها، نظام و جنگ همه علیه همه؛ اصول فکری واقع گرایی را شکل می‌دهد و در ادامه سه علت اصلی نزاع و درگیری بین انسانها را اینگونه بیان می‌کند:

«سه دلیل رقاب، ترس، طلب عزت و افتخار در وجود انسان موجب نزاع و درگیری در بین آنها می شود؛ علت اول برای کسب سود، علت دوم برای کسب امنیت و علت سوم برای کسب اعتبار و شهرت انسان را به تعدی به حق دیگران وا می‌دارد» به همین جهت بسیاری از پژوهش‌های حوزه واقع گرایی ریشه علمی شدن این رویکرد را پس از آراء و نظریات توماس هابز می‌دانند. واقعگرایی را می‌توان کهن‌ترین نظریه مطالعات امنیتی دانست. پیشینه این نظریه

را در شرح توسیدید درباره جنگ های پلوپونزی (۴۳۱ پیش از میلاد) در یونان باستان و نوشته کلاسیک سون تزو^۲ متفکر چین باستان مشاهده کرد. نوشته مذکور که "هنر جنگ"^۳ نام دارد درباره راهبرد جنگی است تقریباً همزمان با شرح توسیدید نوشته شده است (هیوود، ۱۳۸۹: ۱۹۰).

خلاصه مطلب اینکه از مهمترین اصول و شاخصه های مکتب واقعگرایی عبارت است از: آناشسی، تجاوزگری، قدرت، عقلانیت، دولت محوری، خودپرستی، توجه به تهدیدات نظامی و تقویت نظامی برای تامین امنیت، جدایی اخلاق از سیاست، اعتقاد به ذات بد انسان. لازم به ذکر است در این تفکر از طریق دولت مقتدر به دنبال امنیت مطلق می باشند که با ابزار نیروی نظامی برای این هدف تلاش می کنند. (محمدی راد، ۱۳۹۷: ۵۵)

ب) مکتب آرمانگرایی:

نقطه مقابل نظریه واقعگرایی؛ نظریه آرمان گرایی یا ایده آلیسم می باشد. که برخی آن را شکل افراطی و یا پرنفوذ لیبرالیسم می دانند (قوام ۱۳۸۷ صفحه ۳۴۱) این نظریه بر خلاف واقع گرایان منافع ملی را جبری نمی دانند، بلکه معتقدند سود و منفعت یک امر بسته و مطلق نیست و می توان از طریق چانه زنی آن را تغییر داد. از این رو لیبرالیسم منافع ملی را آن گونه که واقع گرایان مطرح می کردند قبول ندارد (محمدی راد، ۱۳۹۷: ۵۶)

آرمانگرایی مکتبی است که اهداف آن بر مبنای ارزش های اخلاقی شکل گرفته است و بر خلاف واقع گرایان به دنبال آنچه که باید باشد می گردد، نه آنچه که هست. آرمان گرایی امنیت را نبود تهدید تعریف می کنند. طبق دیدگاه آرمانگرایان صلح پایدار باعث تامین امنیت برای همه ی جوامع بشری خواهد شد. در این مکتب افراد جامعه بشری بر دولت ها ارجحیت دارند. و گرچه از طریق مرزهای جغرافیایی از یکدیگر جدا شده اند. اما مجموعه ی واحدی به نام جامعه بشری را تشکیل می دهند که دارای ارزش های مشترک هستند. (مرادیان، ۱۳۸۹: ۷۵)

لذا در این مکتب روابط افراد جامعه نه بر اساس تضاد منافع، بلکه بر اساس همکاری به منظور دست یابی به ارزش های اخلاقی در راستای رسیدن به جامعه ایده آل می باشد. در جامعه ایده آل مدنظر، اگر تضادی هم باشد در نظام های سیاسی نمود پیدا می کند و افراد جامعه بشری فاقد هرگونه تضاد هستند. در مکتب آرمانگرایی امنیت برای یک ملت زمانی محقق می شود که این امنیت در کل جامعه جهانی تحقق یابد. جامعه ای که در آن ارزش های اخلاقی، حکمفرما شده و از طریق آن قوانین لازم برای تنظیم روابط انسانها وضع می گردد تا در چهارچوب آن حقوق فردی از احاد جامعه بشری تضییع نگردد. (سلمان خاکسار، ۱۳۹۰: ۱۷)

ج) مکتب اسلامی:

اسلام امنیت را یکی از اصول اجتناب ناپذیر زندگی جمعی و از عناصر حیاتی در بهره برداری از نعمت حیات و دیگر نعمتهای الهی دانسته و آن را از لوازم ضروری جهت تکامل و ارتقای بشر می داند. با استناد به آموزه های قرآن و سیره

¹-Thucydides

²- sun tzu

³ -The Art of War

نظری و عملی پیامبر اسلام صلی الله و ائمه معصومین علیه السلام نظریه امنیتی اسلام دارای اصول، مبانی، معانی و مفاهیم خاص خود می‌باشد از مهمترین اصول موثر در تحلیل امنیت در گفتمان اسلامی از دیدگاه معرفت شناسی می‌توان به اصل توحید، ایمان، ولایت و سعادت و از دیدگاه فقهی می‌توان به سه اصل عقل، قرآن و احادیث اشاره داشت که در ایجاد و توسعه امنیت نقش اساسی و موثر دارد (مرادیان، ۱۳۸۹: ۵۳)

جدول شماره ۱: مبانی گفتمان اسلامی امنیت سیاسی (نگارنده)

عقل	عقل انسان همواره هرج و مرج، فساد اجتماعی، ناامنی، شیوع فحشا و منکرات را تقبیح کرده و مبارزه با علل آن را لازم می‌داند. معلوم است که دفع تهدیدات یاد شده رابطه مستقیم با ایجاد و وجود امنیت دارد و لذا عقل، حفظ و برقراری امنیت را در جامعه لازم می‌داند. (سلمان خاکسار، ۱۳۹۰: ۲۰)
آیات	در آیه ۱۰۲ سوره نساء قرآن کریم درباره محافظت مسلحانه از نمازگزاران در هنگام نماز جماعت در کارزار جنگ تاکید می‌کند و یا در آیه ۴ سوره منافقون؛ ایمنی خویش در مقابل منافقین که با ظاهری عوام فریب در میان مسلمانان به زندگی مشغول بوده و به امر خبرچینی از جامعه اسلامی اشتغال دارند را بیان می‌کند. و در مورد میل به خودکامگی حاکم نیز داستان فرعون در سوره قصص بیان شده است (سلمان خاکسار، ۱۳۹۰: ۲۱)
احادیث	علی(ع) فرمایند: ((استخدام کارگزاران حکومت بایستی بر اساس تحقیق از احوال، لیاقت، کاردانی، تقوا و تخصص آنها باشد. هر کس که لیاقت بیشتر، تخصص، تجربه زیادت، تقوا و تمهد بیشتر دارد او را انتخاب کند و بر اساس بخشش و نه بر مبنای محبت ها و علاقه ها و به دلخواه خود. زیرا کارمندان و مأمورانی که بر این پایه استخدام شوند مجموعه‌ای از ظلم و خیانت بر ملت اسلامی و افراد لایق بوده و خیانت به خدا و دین و حکومت الهی محسوب می‌شود.)) زیرا بدترین ناامنی در جامعه وقتی است که دزدان و راهزنان به مناصب عالی رسیده و شروع به چپاول بیت المال نموده و همه آنها را ملک خود تلقی نمایند. (همان: ۲۳)
توحید	اصل یا مرکزیت دادن به نظام هستی و انسجام بخشی به شبکه ارتباطی پدیده‌های مختلف در واقع انسان را از آشفتگی و پریشانی در سطح فردی و جمعی رهایی بخشیده و زمینه نیل به آرامش، اطمینان و امنیت را فراهم می‌سازد. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۱۲۰)
ایمان	درگفتمان اسلامی، می‌توان سه کار ویژه مهم امنیتی را برای ایمان قائل شد: ۱- باتوجه به جنبه ی روانی که ایمان دارد می‌تواند موجب تعادل قوای مختلف انسان گردد و از این طریق از اضطراب های ناشی از افراط و تفریط فردی جلوگیری می‌شود. ۲- به دلیل جنبه اجتماعی ایمان، باعث تنظیم روابط اجتماعی افراد می‌شود. جلوگیری از مفاسد اجتماعی و مهم تر از همه شأن انسان سازی ایمان که به اصلاح فرد به عنوان اصلی ترین عنصر جامعه می‌انجامد، تماماً در ایجاد جامعه سالم موثر هستند. ۳- سومین کارکرد مهم امنیتی ایمان از بعد سیاسی می‌باشد که به تکمیل امت اسلامی منتهی می‌گردد. چراکه از این طریق مسلمانان، دارای قدرتی واحد و متحد می‌شوند که این امر باعث افزایش توان تدافعی آنها می‌شود. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۱۱۷)
ولایت	گفتمان سیاسی اسلام با طرح موضوع ولایت عامه به این پرسش ها که چه کسی باید حکومت کند و چگونه باید حکومت کرد پاسخ داده، و پاسخ این سوالات موجبات سالم سازی رابطه مردم و حکومت را فراهم می‌کند و موجب جلوگیری از بروز بی ثباتی سیاسی در حوزه داخل و ضعف قدرت نرم حکومت ها در عرصه بین الملل می‌گردد. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۵۷)
سعادت	در اسلام، انسان از این جهت که در مقام خلیفه الهی قراردارد، بر کلیه موجودات برتری دارد و چون این کرامت عام و مشمول نوع بشر می‌باشد. در تک تک انسان ها معنا یافته و موضوعیت

دارد. خداوند متعال می فرماید: ((و لقد کرّمنا بنی آدم..... و فضلناهم علی کثیر ممن خلقتنا تفصیلاً)). در اسلام انسان و سعادت‌مندی او دارای ارزش ذاتی است. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۱۳۶)

امنیت سیاسی:

اصطلاح امنیت سیاسی را اولین بار در کتاب مردم، دولت ها و هراس، توسط باری بوزان در بحث از اقسام امنیت جامعه طرح گردید. وی در این کتاب امنیت جوامع را به پنج دسته ی امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تقسیم نمود. امنیت سیاسی با رویکرد دولت محور، ناظر بر ثبات سازمانی دولت ها، سیستم های حکومتی و ایدئولوژی هایی است که به آنها مشروعیت می بخشد. (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۷) با این تعریف تهدید های سیاسی، مربوط به مشروعیت داخلی حکومت است. و هرآنچه مشروعیت و اقتدار حکومت را زیر سوال برد، تهدیدی علیه حاکمیت محسوب می شود. (غریاق زندگی، ۱۳۹۲: ۲۱۳) از سوی دیگر امنیت سیاسی به معنای وجود دستگاه سیاسی است که در آن مردم آزادانه و بدون ترس و وحشت بتوانند مواضع سیاسی و باورهای خود را هر چند مخالف حکومت باشد، در چارچوب قوانین موجود بیان کنند و کسی حق تعرض به دیگران را به دلیل ابراز عقیده سیاسی نداشته باشد. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۸) لذا به توجه به مکتب امنیت اسلامی ذکر شده در بالا مدل تحلیلی امنیت سیاسی اسلامی در این پژوهش مانند شکل زیر می باشد.

مولفه های امنیت سیاسی:

امنیت سیاسی به معنای وجود دستگاه سیاسی است که در آن مردم آزادانه و بدون ترس بتوانند مواضع سیاسی و باورهای خود را در چهارچوب قوانین موجود بیان کنند. در حقیقت بین امنیت سیاسی و میزان استبدادی بودن رژیم های سیاسی، رابطه ای معکوس وجود دارد. در تعریف دیگر امنیت سیاسی چنین تعریف شده است: «موجودیت کشور و ملت، وحدت و انسجام، آشتی ملی و تعامل سازنده بین گروه ها و نخبگان سیاسی» (مرادیان، ۱۳۸۹: ۲۴)

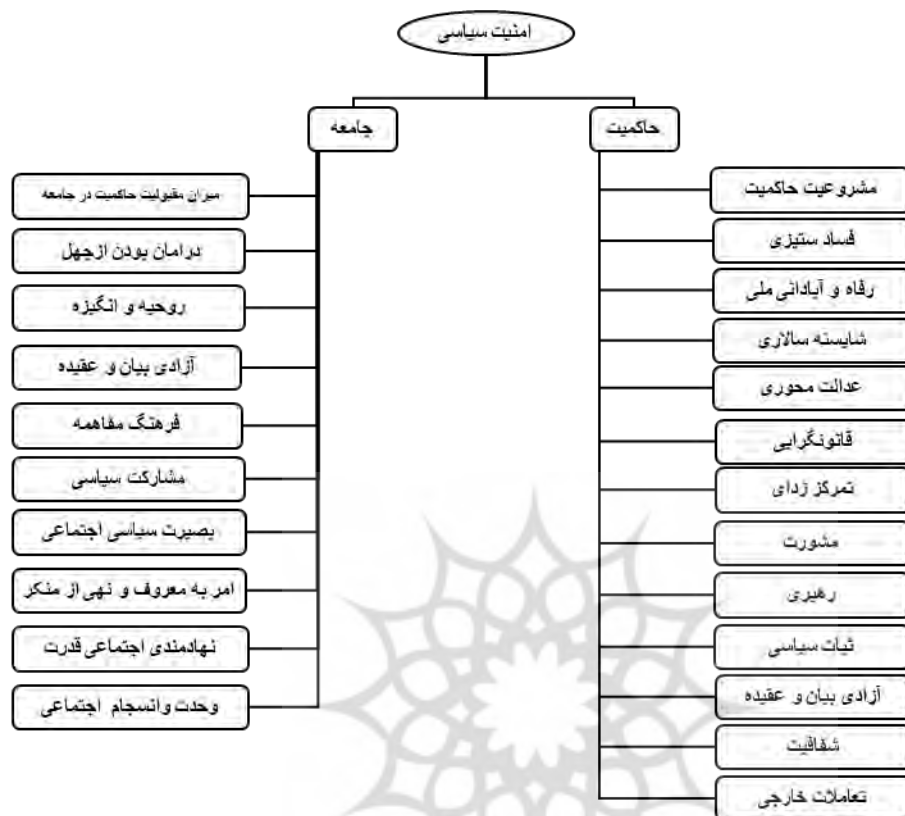


شکل شماره ۲: نمودار رابطه امنیت سیاسی و استبداد

و نیز در تعریفی دیگر امنیت سیاسی یعنی، تأمین حقوق مدنی جامعه، در بعد سیاسی. لذا می توان گفت امنیت سیاسی همان "مصونیت یک فرد، گروه یا ملت از تعرض و تجاوز به حقوق سیاسی مشروع" می باشد. وهنگامی که افراد، گروهها و ملت ها، فرصت و آزادی کافی برای انتخاب سرنوشت خود را داشته باشند. و مانعی در این راه نداشته باشند؛ از امنیت سیاسی برخوردار می باشد. (جهان بزرگی، ۱۳۸۸: ۱۱۰)

کریمی مله و بابایی نیز در کتاب ((امنیت ملی از منظر امام خمینی)) مهمترین ارکان امنیت سیاسی را کارگزاران نظام سیاسی، نهاد های حکومتی، سیاست ها، رفتارها و مردم برشمرده اند. و بازیگران امنیت سیاسی را در قالب فرد، مردم جامعه، کارگزاران دولتی، سازمان های بین المللی و سایر دولت ها تقسیم کرده اند. (محمدی راد، ۱۳۹۹: ۸۶)

بر اساس مطالعات امنیت پژوهان مهم ترین شاخص های تهدیدسیاسی امنیتی عبارتند از: بحران مشروعیت، بحران مشارکت مردمی، نا آرامی و بی ثباتی، بحران هویتی یک جامعه، تجزیه طلبی و قومیت گرایی، شکاف بین مردم و حاکمیت، بی اعتمادی مردم نسبت به حاکمیت، سرکوب سیاسی، سرکوب حقوق مدنی، اقتدارگرایی، سلب حقوق و آزادی های اساسی و موارد نظیر آنها (همان: ۸۸) و در مقابل شاخص های امنیت سیاسی که در حیطه قلمرو حاکمیت می باشد عبارت اند از: فساد ستیزی، جلوگیری از زمینه های فساد، تمرکز زدای، عدالت محوری، شفافیت آراء، شفافیت حاکمان دولتی با مردم در تصمیمگیری، تعاملات خارجی پویا، آزادی بیان و عقیده، ثبات سیاسی، فسادستیزی کارگزاران، شفافیت حاکمان دولتی با مردم در تصمیمگیری، شفافیت مالی کارگزاران، شایسته سالاری، پاسخگو بودن کارگزاران در قبال مردم، رفاه و آبادانی ملی، قانونگرایی، عدم تبعیض در اجرای قانون، نحوه وضع قوانین و اجرای آن، نظارت بر حسن اجرای قانون، مشورت و تصمیمگیری جمعی در امور سیاسی، پاسخگو بودن کارگزاران در قبال مردم، انطباق حرف با عمل حاکمان، فراهم کردن بالاترین سطح آزادی بیان و..... و نیز شاخص های امنیت سیاسی که در قلمر اجتماع و مردم می باشد عبارت اند از: امنیت از میل به فساد و نا امنی در جامعه، امنیت از خلق و خوی حیوانی انسان، درمان بودن از جهل و نادانی، امر به معروف و نهی از منکر، وحدت، انسجام ملی و ثبات داخلی، هویت، مشارکت سیاسی، درمان بودن از عملیات روانی (بصیرت سیاسی افراد جامعه)، انسجام اجتماعی، فرهنگ مفاهمه برای استفاده از ظرفیت طبیعی فرهنگی جامعه، نهادمندی قدرت اجتماعی، مدیریت نرم اجتماعی و پاسخگو، روحیه ملی و انگیزه اجتماعی، حق انتخاب و تعیین سرنوشت، اختیار در فکر و عقیده را نام برد. از این رو می توان مولفه های امنیت سیاسی را بر اساس مدل تحلیلی پژوهش به صورت زیر ترسیم کرد:



شکل شماره ۳: نمودار شاخص های امنیت سیاسی برای مردم و حاکمیت

روش شناسی پژوهش:

با توجه به موضوع و زمینه پژوهش پیش رو از بین روش های تحقیق کیفی و کمی؛ ما از روش کیفی بهره برداری نموده ایم. در روش کیفی با متن و اندیشه انواع مختلفی از روشها برای تحلیل مواجه هستیم. (برون و کلارک)) معتقداند یکی از روشهای کارآمد تحلیل کیفی، تحلیل مضمون است، چراکه مضمون دارای اطلاعات مهمی درباره داده ها و پرسش های پژوهش است و می توان از این روش در اکثر روش های کیفی استفاده نمود. تحلیل مضمون یک راهبرد تحلیل داده ها است که توسط آن داده های کیفی تقسیم بندی، طبقه بندی، تلخیص و بازسازی می گردند. تحلیل مضمون اصولاً یک راهبرد توصیفی است که یافتن الگوها و مفاهیم مهم را از درون مجموعه داده های کیفی امکان پذیر

می‌کند. (کمالی، ۱۳۹۷: ۱۹۲) تحلیل محتوی را می‌توان از روش‌های گوناگونی از جمله قالب محتوی، شبکه محتوی و ماتریس محتوی انجام داد که در جدول زیر به صورت اختصار به آنها پرداخته شده است.

جدول شماره ۲: روش‌های تحلیل مضمون (خان احمدی، ۱۳۹۷: ۱۸۲)

روش	شرح	ارائه دهنده روش
قالب محتوی ها	این نوع روش در پژوهش‌هایی کاربرد دارد که محتوای مورد تحقیق از حجم زیادی برخوردار باشد	کینگ و هوراکز (۲۰۱۰)
ماتریس محتویها	این نوع روش در پژوهش‌هایی کاربرد دارد که قصد داریم چند محتوی را با یکدیگر مقایسه کنیم	مایلز و هابرمین (۱۹۹۴)
شبکه محتوی‌ها	نقشه‌ای شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان دهنده و روش نمایش دهنده عرضه می‌کند	اتراید و استیرلینگ (۲۰۰۱)

با توجه به جدول بالا و نوع پژوهش پیشرو؛ ما از روش شبکه محتوی‌ها و یا شبکه مضامین استفاده می‌کنیم. شبکه مضامین پایین‌ترین سطح موضوعات یک پدیده را از متن استخراج می‌کند که به آن مضامین پایه می‌گویند. بعد از مشخص شدن محتوای پایه آنها را دسته‌بندی و سازماندهی می‌کنیم و در مرحله بعد این محتوا به صورت مضامین حاکم بر کل متن در می‌آید که به آنها مضامین فراگیر گفته می‌شود. سپس روابط بین این مضامین با یکدیگر نیز نمایش داده می‌شود. (شیخ زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۱) تحلیل شبکه مضمونی را می‌توان به طور کلی به سه بخش اصلی تقسیم نمود: اول تجزیه متن، دوم کشف متن و سوم یکپارچه کردن محتوای کشف شده (اتراید و استیرلینگ، ۲۰۰۱)

جدول شماره ۳: مراحل تنظیم شبکه مضمونی (اتراید و استیرلینگ، ۲۰۰۱)

مرحله تحلیلی	گام	اقدام
الف) تجزیه و تحلیل متن	گام اول: کدگذاری	تهیه یک چارچوب کدگذاری تجزیه متن به بخش‌های کوچک‌تر با استفاده از چارچوب کدگذاری
	گام دوم: تعریف مضامین	استخراج مضامین از بخش‌های کدگذاری شده متن و تصحیح مضامین

1_ King & Horroks

2_ Mailes & Huberman

3_ Attrid & Stirling

گام سوم: ساختن شبکه	منظم کردن
مضمونی	یافتن مضامین
بازیابی مضامین پایه ای برای یافتن مضامین سازمان دهنده	
استخراج مضمون فراگیر	
ترسیم شبکه های مضمونی	
گام چهارم: توصیف و کشف شبکه های مضمونی	توصیف شبکه کشف شبکه
گام پنجم: خلاصه کردن شبکه های مضمونی	خلاصه کردن شبکه های مضمونی
گام ششم: توصیف الگوها	توصیف الگوها
گام هفتم: یکپارچه سازی کشف ها	

الگوریتم این پژوهش که به مقوله امنیت سیاسی در اندیشه ی علوی می پردازد در قالب روش شبکه مضامین ارائه می شود.

جدول شماره ۴: الگوریتم پژوهش در قالب روش شبکه مضامین مطابق با شکل مضمون آتراید و استیرلینگ

اندیشه		مرحله
امنیت سیاسی در اندیشه امام علی (ع)		
استخراج مولفه های پایه از تعارف مربوط به امنیت سیاسی و حکمرانی شایسته	استخراج	مرحله اول
دسته بندی محتوی پایه تعاریف امنیت سیاسی و حکمرانی شایسته	محتوای پایه	مرحله دوم
کشف محتوای سازمان دهنده مستخرج تعاریف امنیت سیاسی و حکمرانی شایسته	دسته بندی	مرحله سوم
	محتوای پایه	مرحله سوم
	کشف محتوای سازمان دهنده	مرحله سوم

بنابراین بعد از استخراج محتوای پایه، شناسایی محتوای سازمان دهنده و محتوای فراگیر با در نظر گرفته محتوای پایه صورت می پذیرد (خان احمدی، ۱۳۹۷: ۱۹۱) با این توصیف در این پژوهش، نهج البلاغه بعنوان مبنای محتوای

مورد مطالعه با موضوعیت حکمرانی امیرالمومنین (ع) بعنوان نمونه عالی حکمرانی شایسته مورد مطالعه قرار میگیرد و مضامین مرتبط با امنیت سیاسی در حکمرانی از آن استخراج میگردد. در ادامه برای آنها مضمون پایه در نظر گرفته می شود. پس از عنوان بندی متنها این مضامین به دسته بندی های هم خانواده و دارای ارتباط (سازمان دهنده مضامین پایه) ذیل مضامین فراگیر تقسیم می گردد. در نهایت نیز مضمون فراگیر بر اساس این دسته بندی و مضامین مستخرج از متن سازمان دهی می شوند. که به شرح زیر می باشند:

ردیف	مضمون فراگیر	ردیف	مضمون پایه	متن و سند
۱	قانونگرایی	۱	قانونگرایی حکمران	خطبه ۳- خطبه ۹۷- خطبه ۱۰۴
		۲	اجرا نمودن قانون هدف از حکمرانی	خطبه ۹۲- خطبه ۱۳۱
		۳	اجرای قانون الهی	خطبه ۱۰۵- خطبه ۴۰۵- خطبه ۱۰۶
		۴	عدم تسامح در اجرای قانون برای نزدیکان و.....	نامه ۵۳- نامه ۴۱
		۵	دوری از قوانین اضافی و دست و پاگیر	نامه ۶۷
۲	فسادستیزی	۱	انگیزه پذیرش حکومت	خطبه ۳
		۲	برخورد با فساد کارگزاران حکومت	نامه ۲۰- خطبه ۱۵- نامه ۳- نامه ۴۳- خطبه ۱۶- نامه ۴۰
		۳	پیشگیری از فساد کارگزاران	نامه ۵۳
		۴	مبارزه با بدعت ها و تحریف ها	نامه ۵۳- خطبه ۱۲۲
		۵	مبارزه با فساد اجتماعی	خطبه ۲۳۳- خطبه ۲۱۶
		۶	توجه به دستگاه قضایی در مبارزه با فساد	نامه ۵۳
۳	شفافیت	۱	حق مداری در بیان و عمل	نامه ۵۳
		۲	به عنوان حق مردم در برابر حاکم	نامه ۵۰
۴	مشارکت	۱	پذیرش حکومت با اسرار، خواست و اراده مردم	خطبه ۹۲
		۲	اعتقاد و توصیه به مشورت با افراد عالم در امور حکمرانی	نامه ۵۳- حکمت ۱۶۱- حکمت ۱۰۹- حکمت ۵۱
		۳	استفاده از مشارکت و مشورت مردم به غیر از احکام الهی	خطبه ۲۱۶
۵	پاسخگویی	۱	پاسخگویی حاکم و کارگزاران در برابر خداوند	خطبه ۲۲۴- نامه ۵
		۲	پاسخگویی کارگزاران در قبال مردم	نامه ۵۳- خطبه ۲۰۷- نامه ۶۷
		۳	رابطه طولی پاسخگویی از جزئی ترین کارگزار تا بالاترین رده حاکمیت	نامه ۱۸
۶	کارایی و اثربخشی	۱	تبیین اهداف اصلی حکومت برای کارگزاران	نامه ۵۳
		۲	جمع آوری مالیات برای تامین هزینه های نظامی و عمرانی	خطبه ۴۰

ردیف	مضمون فراگیر	ردیف	مضمون پایه	متن و سند
		۳	بازرسی و نظارت بر رفتار و اعمال کارگزاران	نامه ۵۳
		۴	مبارزه با فساد اقتصادی	نامه ۲۰-خطبه ۱۵-نامه ۳-نامه ۴۳-خطبه ۱۶- نامه ۴۰-نامه ۵۳
۷	عدالت محوری	۱	انگیزه پذیرش حکومت	خطبه ۳-خطبه ۳۳-کلمه ۴۲۹
		۲	عدالت فردی	خطبه ۸۶
		۳	اجرای عملی عدالت به دور از شعار زدگی	نامه ۷۰
		۴	توصیه به اجرای عدالت توسط کارگزاران حکومت	نامه ۵۳-خطبه ۲۱۶-نامه ۲۷
		۵	عدم تسامح در اجرای عدالت برای نزدیکان و مسئولین حکومت	خطبه ۱۵-خطبه ۲۳۲-نامه ۴۱
۸	ثبات سیاسی و نبود خشونت	۱	مهرورزی به مردم و توجه به نیازها مشکلات آنان	نامه ۵۳
		۲	تقیب ظلم و ستم به مردم توسط حاکمیت	خطبه ۲۲۴
		۳	جلوگیر از ایجاد فتنه و اختلاف در جامعه	خطبه ۵-نامه ۶۲

یافته های پژوهش:

بنابراین با توجه به توضیحات ذکر شده بالا به نظر می رسد از لحظه تشکیل یک حکومت، مولفه امنیت از عوامل تأثیرگذار بوده و در ادامه یک رابطه دوطرفه بین امنیت و تثبیت حکمرانی با برقراری امنیت داخلی و خارجی وجود دارد. همچنین یک رابطه تنگاتنگ و غیر قابل تفکیک بین مولفه امنیت با دیگر مولفه های حکمرانی از جمله، قدرت و سیاست و این سه مولفه در شکل گیری یک حکومت وجود داشته باشد. بنابراین توجه به حکمرانی شایسته؛ توجه به امنیت و نیز توجه به عناصر امنیت سیاسی را طلب می کند. عوامل تهدید کننده حکومت همان عوامل تهدید کننده امنیت می باشد. بنابراین در این پژوهش سه نکته حائز اهمیت است:

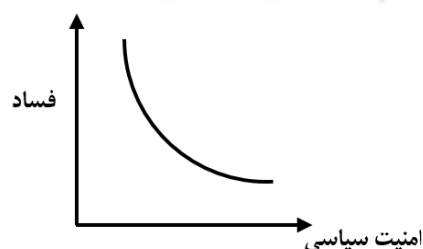
نکته اول: از آنجایی که حکمرانی شایسته همچون سایر مفاهیم علوم انسانی امری پیچیده و نسبی و متأثر از جهان بینی، فرهنگ و ارزشهای یک جامعه همچون؛ اعتقادات مذهبی، اخلاق، آداب و رسوم، فرهنگ، نوع نگرش به هستی، دشمنی ها، کینه ها، احساسات، پیشینه تاریخی، باورهای گوناگون فلسفی، منش ملی، فرهنگ سیاسی، تربیت، فرایند جامعه پذیری، تبادل فرهنگی، تجربه های شخصی و.... است. و از سوی دیگر ویژگی های نسبی بودن ذهنی بودن امنیت و رابطه پیچیده امنیت با قدرت و تهدید باعث گردیده است که در تعیین مفهوم امنیت سیاسی ارزش های هر ملت نقش اساسی داشته باشد و چون ارزشهای هر ملتی با یکدیگر متفاوت است پس تعریفی که هر کشور از امنیت سیاسی خود ارائه می دهد با دیگر متفاوت است در حالی که کشوری تعریف امنیت سیاسی را در چارچوب حس ناسیونالیستی و یا نژاد پرستانه محدود می کند. کشور دیگر آن را در چهارچوب اعتقادات مذهبی و یا فرهنگی تعریف می کند و کشور دیگری آن را در چهارچوب مباحث ژئوپولیتیک و.... تعریف می کند. همین تعریف های گوناگون باعث شده

که امنیت سیاسی در کشورهای مختلف تفاسیر مختلفی داشته باشد. و در شاخص های مطرح شده درباره این دو مفهوم از نظر پژوهشگران وحدت نظر و اجماع وجود نداشته باشد و برداشت های متفاوت و گاه متضاد از مفهوم امنیت سیاسی پدید آید. لذا آنچه در طراحی مدل مفهومی این پژوهش مدنظر بوده، توجه به اصول اسلامی یعنی توجه به فرد، مردم، جامعه، حکومت و حاکمیت است.

نکته دوم: به نظر می رسد رابطه تنگاتنگی بین مفهوم امنیت سیاسی، حکمرانی شایسته و این دو مولفه با مردم و دولت و کل این مجموعه با شکل گیری یک حکمرانی مطلوب وجود دارد. و توجه به حکمرانی شایسته، توجه به امنیت سیاسی و نیز توجه به عناصر آن را طلب می کند. بنابراین در این پژوهش اگر مولفه های حکمرانی شایسته را جزء مولفه های امنیتی برشماریم و یا برعکس، خطایی مرتکب نشده ایم. لذا با توجه به ویژگی های ذکر شده حکمرانی شایسته مولفه های امنیت سیاسی که بیان کننده جایگاه آن در حکمرانی است به شرح زیر می باشد:

۱- فساد ستیزی :

استفاده از قدرت و امکانات عمومی برای منافع شخصی را فساد می گویند. که شامل فسادهای جزئی و فسادهای کلان می شود. بر این مبنی هر اندازه نظام سیاسی و دولت در اختیار منافع شخصی کارگزاران و حکمرانان باشد نشان دهنده ی فقدان امنیت سیاسی و ضعف در حکمرانی و عکس آن بیانگر سطح مطلوبی از امنیت سیاسی و حکمرانی است. در اینجا حکمرانی خوب، با افزایش آگاهی و تقویت قوانین ضد فساد موجب افزایش امنیت سیاسی می شود. با توجه به اینکه یکی از ویژگی های فساد انباشت سرمایه در دست ثروتمندان است. این امر موجب ایجاد شکاف طبقاتی فقیر و غنی در بین جامعه می گردد که دارای تبعات اجتماعی فراوانی از جمله استفاده نامشروع از ابزار قدرت توسط ثروتمندان و نیز افزایش جرائم و بزه های اجتماعی در بین افراد فقیر جامعه می گردد و نتیجه ی آن می شود بی ثباتی اجتماعی و سیاسی و تزلزل امنیت سیاسی. (شاه آبادی و جامه بزرگی، ۱۳۹۲: ۱۱). یکی از شاخص های برقراری امنیت سیاسی در حکمرانی شایسته، مبارزه با فساد شخصی، گروهی یا طبقاتی است و با توجه به شکل شماره ۴ با امنیت سیاسی رابطه عکس دارد یعنی هرچه فساد در یک حکمرانی بیشتر شود امنیت سیاسی آن حکومت کاهش می یابد و بلعکس.



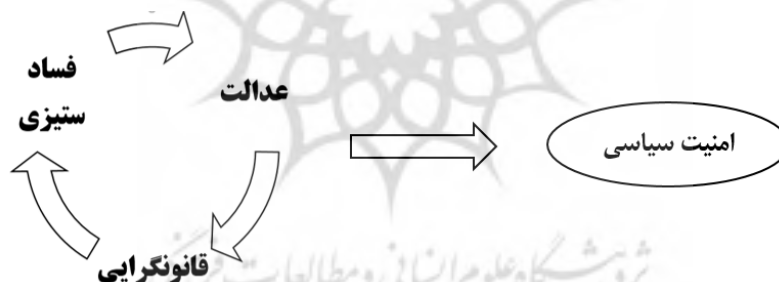
شکل شماره ۴: رابطه فساد ستیزی با امنیت سیاسی و حکمرانی شایسته

۲- قانون گرایی:

یکی از معروف ترین تعاریف از مفهوم حاکمیت قانون، تعریف دایسی است. از نظر وی سه تعریف از قانونگرایی وجود دارد که عبارتند از: "۱- حکومت باید مطابق قواعد عام عمل کند؛ ۲- همه شهروندان در برابر قانون برابرند و ۳- قانون اساسی محصول قانون عرفی و سرزمینی است" (دایسی، ۱۹۲۷: ۸۹).

قانونمندی و رعایت قانون از سویی سنگ بنای برقراری حکمرانی خوب بوده و از سوی دیگر موجب ایجاد امنیت سیاسی در جامعه شده که این امر خود ضامن بقاء حکومت می گردد. و این امر نیازمند چهارچوب های قانونی عادلانه ای می باشد که از ویژگی بیطرفی برخوردار است. این ویژگی ها عبارت اند از: رعایت حقوق کلیه افراد از جمله محرومان و ضعفاى جامعه، رعایت بی طرفی، وجود دستگاه قضایی مستقل و بدون فساد در جامعه. (شاه آبادی و جامه بزرگی، ۱۳۹۲: ۱۰).

نکته حائز اهمیت این است که هر چه میزان اعتماد به سلامت قانونگذاران و حکمرانان بیشتر باشد، تمایل مردم، گروهها و نهاد های اجتماعی به قانونمندی بیشتر می شود. قانونمندی و حاکمیت قانون همانند روحی است که در کالبد حکمرانی خوب تجلی پیدا می کند و بدون آن، حکمرانی کالبدی بی روح و ناکارآمد خواهد بود. بطوری که همه حکومت ها از خودکامه ترین تا دموکراتی ترین ها به آن نیازمند هستند. (سردارنیا و شاکری، ۱۳۹۳: ۴۰)



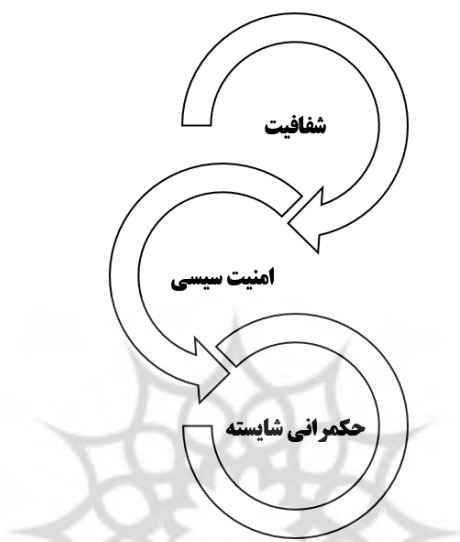
شکل شماره ۵: رابطه قانونگرایی با امنیت سیاسی و حکمرانی شایسته

۳- شفافیت:

یکی از عواملی که از بی عدالتی های بالقوه نظام اداری حکمرانی و نیز ناکارآمدی در فرآیندهای مدیریتی جلوگیری می کند شفافیت است. تصمیمات و اجرای آنها باید در مسیرهای قانونی صورت بگیرد. دسترسی به اطلاعات برای افراد در جهت اتخاذ تصمیمات صحیح به صورت آزادانه و به طور مستقیم قابل دسترس باشد و اطلاعات کافی در رسانه ها و به شکل های قابل فهم مهیا باشد. (زکریا پورسورکوهی، ۱۴۰۰: ۴۱)

منظور از شفافیت در جریان قرارگرفتن مردم از تمامی اقدامات حکومت و در دسترس بودن اطلاعات لازم برای مردمان است. حق مردم در اطلاع از کلیه تصمیمات و اقدامات مدیران و مسئولان حکومت؛ امنیت سیاسی را فراهم

نموده و تحقق حکمرانی شاسیته نیز درگرو امنیت سیاسی می باشد، بنابراین حکمرانی شاسیته زمانی تحقق می باید که کلیه تصمیمات مدیران و کارگزارن یک حکمرانی از شفافیت بالایی برخوردار باشد و فاقد هرگونه ابهام و پنهان کاری باشد.

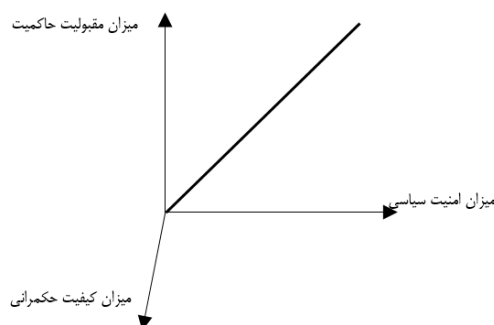


شکل شماره ۶: رابطه شفافیت با امنیت سیاسی و حکمرانی شاسیته

۴- مشارکت :

مشارکت یعنی همه افراد یک جامعه باید به صورت مستقیم در تصمیم گیریها حضور داشته باشند. البته در چارچوب حکمرانی، مشارکت بر توانمندسازی شهروندان و تعامل میان طیف وسیعی از بازیگران مدنی تکیه دارد. مشارکت با ایجاد یک چارچوب تنظیم کننده برای شهروندان و نهادهای خصوصی، مشارکت مردم در اداره امور خودشان، طرح تقاضاهای مشروع و زیر نظر گرفتن سیاست ها و اقدامات حکومت را امکان پذیر می کند. (محمودی کیا، ۱۳۹۸: ۶۴)

منظور از این شاخص میزان مشارکتی است که شهروندان میتوانند در انتخاب دولت و نظام سیاسی داشته باشند است. این شاخص هم چنین بیانگر میزان آزادی بیان، آزادی احزاب، تشکل ها و آزادی رسانه های جمعی و در نتیجه نشان از میزان مقبولیت حاکمیت از سوی مردم است. (شاه آبادی و جامه بزرگی، ۱۳۹۲: ۱۵). و براساس شکل شماره ۳-۷ میزان مشارکت رابطه مستقیمی با میزان امنیت سیاسی، مقبولیت حاکمیت و کیفیت حکمرانی دارد.

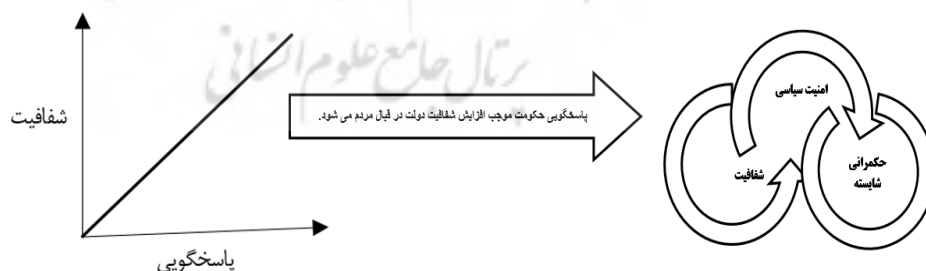


شکل شماره ۷: رابطه مشارکت با امنیت سیاسی و حکمرانی شایسته

۵- پاسخگویی :

تصمیم گیران یک حکمرانی بایستی نسبت به مسائل عمومی همانند منافع عمومی خود پاسخگو باشند. (شریف زاده، ۱۳۸۲: ۱۰۱) این عنصر نیازی مهم برای حکمرانی خوب محسوب می شود. به طور کلی، هر سازمان در برابر کسانی که از کارهای سازمان تاثیر می پذیرند پاسخگو هستند. (مرشدزاده، ۱۳۹۶: ۱۳۶)

پاسخگویی یک امر حیاتی برای ایجاد شفافیت و در ادامه یکی از شاخص های برقراری امنیت سیاسی برای حکمرانی خوب است، لازم به ذکر است پاسخگویی بدون وجود شفافیت و قانونمندی قابل اجرا نیست. این مولفه در کنار مولفه های دیگر حکمرانی، عنصر مهم مشروعیت بخش به حکومت و مشوق همکاری و مشارکت مردم و گروه ها با حکومت است.



شکل شماره ۸: رابطه مشارکت با امنیت سیاسی و حکمرانی شایسته

۶- کارایی، اثربخشی:

کارایی و اثربخشی به توانایی حکومت در قانونگذاری، قضاوت و تصمیمات مدیریتی در خصوص عدالت و قانونمندی متکی است. (سردارنیا و شاکری، ۱۳۹۳: ۴۸) همچنین به توانایی دولت در قانونگذاری، داوری دادگاه ها، تصمیم های مدیریتی درباره ی حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی در حکمرانی نیز بستگی دارد. افزون بر آن کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی و استقلال آنها از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران نیز در این مولفه حائز اهمیت است. (عجم اقلو و همکاران، ۲۰۰۳: ۵۸)

برابر شکل شماره ۳-۹ ایجاد امنیت سیاسی در حکمرانی مطلوب، مشروط به خروجی مطلوب برای مردم است. در حکمرانی خوب، هدف حکومت ایجاد رفاه عمومی، جلب رضایت مادی و معنوی شهروندان و حمایت از حقوق شهروندان به منظور دستیابی به امنیت سیاسی و سپس ثبات سیاسی است. هر حکومتی که موفق به تحقق این اهداف شود آن حکومت دارای کارایی و اثربخشی مطلوب است.



شکل شماره ۹: رابطه اثربخشی و کارایی دولت با امنیت سیاسی و حکمرانی شایسته

۷- عدالت:

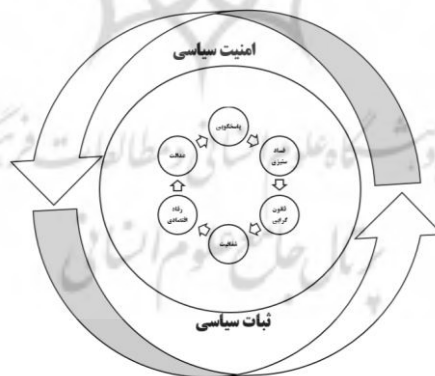
یکی از دغدغه های بشری و ادیان الهی در طول تاریخ برقراری عدالت بوده است. پس از حاکمیت قانون، برقراری عدالت خمیر مایه ی حکمرانی خوب محسوب می شود. عدالت عامل تثبیت کننده و مشروعیت بخش حکمرانی و عامل مهم برقراری امنیت سیاسی از طریق ایجاد همبستگی بین جامعه و حکومت است. قانونمندی و عدالت دو ستون بسیار مهم برای حفظ خیمه نظام سیاسی و جامعه هستند. (سردارنیا و شاکری، ۱۳۹۳: ۴۱)



شکل شماره ۱۰: رابطه اثربخشی و کارایی دولت با امنیت سیاسی و حکمرانی شایسته

۸- ثبات سیاسی :

ثبات سیاسی به معنی درامان بودن یک نظام سیاسی ازسرنگونی، براندازی، خشونت، نارضایتی و ... از سوی عوامل داخلی و خارجی است. براساس این شاخص ، هر چه ثبات سیاسی در یک کشور کمتر باشد نشان دهنده ی نبود امنیت سیاسی و حکمرانی ضعیف است و هر چه کشوری از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار باشد از امنیت سیاسی بیشتری نیز برخوردار است.(شاه آبادی و جامه بزرگی، ۱۳۹۲: ۷)



شکل ۱۱: رابطه ثبات سیاسی با امنیت سیاسی و حکمرانی شایسته

نتیجه گیری و پیشنهادها:

امنیت سیاسی به معنای وجود دستگاه سیاسی است که در آن مردم آزادانه و بدون ترس و وحشت بتوانند مواضع سیاسی و باورهای خود را در چهارچوب قوانین موجود بیان کنند. درحقیقت بین امنیت سیاسی و میزان استبدادی بودن رژیم های سیاسی، رابطه ای معکوس وجود دارد. شاخص های امنیت سیاسی که در حیطه قلمرو حاکمیت می باشد عبارت اند از: تمرکز زدای، عدالت محوری، شفافیت آراء، شفافیت حاکمان دولتی با مردم، آزادی بیان و عقیده، ثبات سیاسی،

فسادستیزی کارگزاران، شفافیت مالی کارگزاران، شایسته سالاری، پاسخگو بودن کارگزاران در قبال مردم، رفاه و آبادانی ملی، قانونگرایی، عدم تبعیض در اجرای قانون، نحوه وضع قوانین و اجرای آن، نظارت بر حسن اجرای قانون، مشورت و تصمیمگیری جمعی در امور سیاسی، پاسخگو بودن کارگزاران در قبال مردم، انطباق حرف با عمل حاکمان و..... و نیز شاخص های امنیت سیاسی که در قلمر اجتماع و مردم می باشد عبارت اند از: امنیت از میل به فساد و نا امنی در جامعه، امنیت از خلق و خوی حیوانی انسان، درمان بودن از جهل و نادانی، امر به معروف و نهی از منکر، وحدت، انسجام ملی و ثبات داخلی، هویت، مشارکت سیاسی، انسجام اجتماعی، پاسخگو، روحیه ملی و انگیزه اجتماعی، حق انتخاب و تعیین سرنوشت، اختیار در فکر و عقیده.

لذا با توجه به تعاریف ذکر شده از امنیت سیاسی و حکمرانی شایسته؛ شاخص هایی همچون فساد ستیزی، پاسخگویی، قانون گرایی، مشارکت سیاسی، تمرکز زدایی، عدالت محوری، ثبات سیاسی، کارایی و اثربخشی را به عنوان مصداق های امنیت سیاسی در حکمرانی شایسته انتخاب کرده ایم. چراکه امنیت سیاسی یک جامعه با میزان فساد جامعه رابطه معکوس دارد و قانونگرایی در چرخه فسادستیزی و عدالت محوری منتج به امنیت سیاسی می شود. و یا امنیت سیاسی حلقه اتصال بین شفافیت و حکمرانی شایسته می باشد. مشارکت نیز رابطه مستقیمی با میزان امنیت سیاسی، مقبولیت حاکمیت و کیفیت حکمرانی دارد. پاسخگویی نیز یکی از حلقه های اتصال شفافیت به حکمرانی شایسته و برقراری امنیت سیاسی است و نیز عدالت موتور محرک قانونمداری و امنیت سیاسی حکمرانی می باشد و در نهایت ثبات سیاسی هم رده امنیت سیاسی است.

پیشنهادها:

۱- به منظور داشتن حکمرانی شایسته و امنیت سیاسی می بایست از کوچکترین جزء جامعه یعنی فرد شروع کرد و با تربیت فرد در تراز حکمرانی شایسته؛ فردی که خود عدالتگرا بوده، قانون را رعایت کند، اهل فساد نبوده، اهل مراقبه و محاسبه نفس بوده و نسبت به اعمال شخصی خود در نزد خداوند و وجدانش پاسخگو باشد و از این طریق امنیت درونی خود را تقویت نموده که به آن ایمان می گویند، جامعه به سمت امنیت سیاسی رفته و از همین جامعه کارگزاران و حکمرانان زمام امور جامعه را در دست گرفته و این زنجیره منتج به تشکل یک حکمرانی شایسته خواهد شد.

۲- به کارگزاران نظام پیشنهاد می گردد دستگاه اداری را به گونه ای ساماندهی نموده که عدالت محور و فساد ستیز بوده و دارای شفافیت لازم باشد.

۳- دستگاه سیاسی و اداری کارآمد، فساد ستیز، شفاف، پاسخگو، عدالت محور از ملزومات برقراری امنیت سیاسی به منظور دست یابی به حکمرانی شایسته می باشد

۴- به مردم جامعه نیز پیشنهاد می گردد با مشارکت اجتماعی و همکاری با حکومت می توانند در وهله اول موجبات افزایش امنیت سیاسی برای خود شده و در مرحله بعد امنیت نظام حاکم را فراهم نمایند.

در انتها به پژوهشگران حوزه امنیت و نیز حوزه حکمرانی پیشنهاد می گردد در راستای عمق بخشی به هر یک از مولفه های امنیت سیاسی ذکر شده در این پژوهش به طور مستقل پرداخته تا بتوان به یک الگوی مناسب امنیتی مبتنی بر فرهنگ ایرانی و اسلامی به منظور تحقق یک حکمرانی مطلوب دست یابیم

منابع:

- قرآن کریم.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶) امنیت در نظام سیاسی اسلام، انتشارات کانون اندیشه جوان، تهران.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت ها و هراس. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جهان بزرگی، احمد (۱۳۸۷). امنیت در نظام سیاسی اسلام، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
- حسینی تاش، سیدعلی، واثق، قادرعلی (۱۳۹۳)، حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخص های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام، فصلنامه اسلام و پژوهش های مدیریتی: ۸: ۷-۲۸
- ذکریا پور سورکوهی، سعید (۱۴۰۰). جایگاه شفافیت در حکمرانی شایسته با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه ای، رساله کارشناسی ارشد، مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران.
- سردارنیا، خلیل اله، شاکری، حمید، (۱۳۹۳)، تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه گرا، نشریه مطالعات حقوقی، شماره ۴
- سلمان خاکسار، عبدالحمید (۱۳۹۰). امنیت ملی (اصول و تحولات مفهومی). تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، انتشارات دعا.
- شاه آبادی، ابوالفضل، جامه بزرگی، آمنه (۱۳۹۲). نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه، پژوهشنامه نهج البلاغه، شماره ۲
- شریف زاده، فتاح، قلی پور، رحمت الله (۱۳۸۲). حکمرانی خوب و نقش دولت، فصلنامه مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره اول، شماره ۴
- قلی پور، آریین (۱۳۸۴). حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت، تهران، مرکز پژوهش های استراتژیک.
- عصاریان نژاد، حسین (۱۳۸۱). جویشی بر امنیت ملی، تهران، دانشکده علوم و فنون فارابی.
- غریاق زندی، داود (۱۳۹۲). امنیت در اسلام، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کریمی مله، علی و بابایی، اکبر (۱۳۹۲). امنیت ملی از منظر امام خمینی (ره). تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مازلو، ابراهام اچ (۱۳۶۷). انگیزش و شخصیت، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- محمدی راد، مهدی (۱۳۹۷) آینده امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران، رساله کارشناسی ارشد، مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران.
- مرادیان، محسن (۱۳۸۹). مبانی نظری امنیت، تهران، دانشکده علوم و فنون فارابی.
- مرشدزاده، علی (۱۳۹۶). حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی، فصلنامه آینده پژوهی ایران، شماره ۳
- مفتح، محمدهادی، قاسمی، غلامعلی، کردنژاد، نسرين (۱۳۹۴). امکان سنجی اجرای نظریه حکمرانی خوب در جوامع اسلامی با تأکید بر جمهوری اسلامی، فصلنامه پژوهشی تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۴

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). نظریه سیاسی اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ ۶،

ج ۱

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، پیام قرآن، قم، مدرسه الامام علی بن ابیطالب (علیه السلام)، چ ۱،

ج ۱۰

نیکو نسبتی، علی (۱۳۹۰). حکمرانی و توسعه گذشته حال و آینده، نشریه برنامه ریزی و بودجه، شماره ۱۱۵
هاشمیان فر، زاهد، و شیرزاد برزگرلداری (۱۳۹۳). اصول و کارکردهای امنیت سیاسی در اسلام، فصلنامه امنیت

ملی، ۱۲: ۶۵۹۲

هداوند، مهدی (۱۳۸۴). حکمرانی خوب توسعه و حقوق بشر، نشریه حقوق اساسی، شماره ۴

Dicey, A.V. (1889). "Introduction to the study of the law of the constitution", (London:Macmillan, Published in 1885, 8th ed, 1927), pp. 463

Oxford Advanced Learners Dictionary(2005), 7th edition: London oxford press: Threat

UNDP, (1997), Governance for Sustainable Human Development

UNDP Policy paper. Present at: www.undp.pog.org/publications/Governance/goodgoo.pdf

